



آثار تربیتی عفاف از منظر آموزه‌های فقهی

مدحت فاطمه (نویسنده مسئول)*

راضیه ناطقی**

چکیده

«عفت» به معنای خویشنداری، تسلط بر نفس و نقطه مقابل شهوت و شکم‌پرستی است که ریشه در فطرت آدمی دارد و ناشی از پاکی درونی انسان است. انسان تا زمانی که از درون پاک و با تقوا نباشد نمی‌تواند در رفتار و اعمال، خویشندار باشد. عفاف می‌تواند بزرگترین پشتیبان و نیروی محرکه‌ای باشد که به توسعه و پیشرفت، شتاب دهد. می‌توان گفت که همه بی‌عفتی‌های موجود در دنیای امروز، حاصل تحقیرکردن اصول عفاف و تقواست. این فضیلت اخلاقی دارای گستره وسیعی است و جنبه‌های مختلف زندگی بشر را فرا می‌گیرد که افراد در این ابعاد دعوت به رعایت این فضیلت شده‌اند؛ نمود آن هم در افکار و اندیشه و هم در رفتار است، که شامل تک‌تک اعمال بشری مانند گفتار، پوشش، زینت، نوع راه رفتن، خوردن و... می‌گردد. از دیدگاه مکتب اسلام، شخص عقیف نه تنها در روابط مرد و زن، بلکه باید از تمامی کارهای زشت و حرام دوری کند. پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی، تحلیلی از منظر آموزه‌های فقهی به بررسی آثار تربیتی عفاف می‌پردازد. نتیجه پژوهش حاکی از آثار و برکات عفت و پاکدامنی همچون درک لذت ایمان، عزت و سربلندی، آرمش روحی فرد و جامعه، سلامت جسمی و استحکام بنیاد خانواده می‌باشد.

کلید واژه‌ها: تربیت، عفاف، فقه، ابعاد عفاف، توصیه‌های کاربردی.

* دانش‌پژوه کارشناسی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی خراسان/

Syedamidhat5514@gmail.com

** دانش‌پژوه دکتری فقه و معارف اسلامی (گرایش کلام) جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی خراسان/

Raziye_Nateghi@miu.ac.ir



مقدمه

قانون، از ضروریات زندگی اجتماعی است و انسان‌ها برای تنظیم روابط اجتماعی و ایجاد زمینه برای توسعه و پیشرفت نیاز به ضوابط و مقررات و احکامی دارند. قوانین و احکام، یا از قراردادهای اجتماعی به دست می‌آید و یا اینکه دارای ریشه الهی است. احکام و قوانین الهی نسبت به قراردادهای اجتماعی - که منشأ الهی ندارند و تنها بر خواست و تمایل انسان‌ها استوارند - ارجحیت دارند، زیرا قوانین الهی:

۱. جامعیت دارند؛
 ۲. با عقل و فطرت انسان هماهنگ است؛
 ۳. تأمین‌کننده سعادت انسان در دنیا و آخرت‌اند؛
 ۴. از علم لایتنهای خداوند سرچشمه می‌گیرند؛
 ۵. هواها و هوس‌ها، غرائز، محدودیت‌ها و گرایش‌های سیاسی در آن‌ها راهی ندارد.
- از سوی دیگر قوانین الهی تضمین‌کننده اهداف اسلام هستند و هیچ کدام با هم تعارض ندارند. همچنین در احکام الهی - از جمله احکام و قوانین مالی و تجاری - جنبه‌های اخلاقی و معنوی نیز وجود دارد و یکی از مهم‌ترین اصول و فضایی که در آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته، اصل عفت و پاکدامنی است.
- در احکام اسلامی علاوه بر اینکه دستورات اکیدی برای رعایت عفاف وجود دارد و با ناقضان و حریم‌شکنان آن برخورد می‌شود.

نسبت سایر احکام نیز با عفاف تبیین شده است؛ به گونه‌ای که انجام احکام، متضمن رعایت و تحکیم عفاف در بعد فردی و اجتماعی می‌شود. در بررسی‌های انجام شده، ضمن تبیین مبانی عفاف و آثار و پیامدهای آن، احکام گوناگون که متضمن عفاف بوده‌اند، شناسایی و تبیین و تشریح شد. نسبت عفاف با احکام شرعی، از سه صورت بشرط لا، لابشرط و بشرط شیء خارج نیست. با تتبع در ابواب گوناگون فقهی و احکام مختلف

شرعی، در موضوعات مختلف موردی از بشرط لا و یا عدم عفاف یافت نشد و همچنین در برخی از احکام شرعی هر چند جلوه‌های از عفاف دیده نمی‌شود، ولی به معنای عدم ضرورت عفاف در آن‌ها نیست.

از طرف دیگر مصادیق متعددی از جلوه‌های عفاف در ابواب مختلف فقهی یافت می‌شوند، به گونه‌ای که رعایت اصل عفاف در آن‌ها اخذ شده است و غالباً این موارد را می‌توان در احکامی که بین زن و مرد تفاوت وجود دارد، یافت. در سراسر فقه می‌توان حکمت این تفاوت‌ها را توجه خاص شارع مقدس به اصل عفاف در تشریح احکام شرعی دانست. از طرفی دیگر مواردی همچون:

۱. حفظ و تحکیم بنیان خانواده؛
۲. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی؛
۳. سلامت نفس و نسل؛
۴. سلامت اخلاقی جامعه؛
۵. جلوگیری از فساد و تباهی و ارتکاب جرائم گوناگون؛
۶. همچنین حفظ امنیت زنان، از جمله آثار و پیامدهای عفاف‌اند، لذا دارای اهمیت است.

هرچند در خصوص عفاف پژوهش‌های فراوانی انجام گرفته است، ولی تحقیقی از این نوع که به بررسی آثار تربیتی عفاف از منظر آموزه‌های فقهی باشد، به اندازه کافی دیده نمی‌شود. سؤال اصلی این تحقیق این است که عفاف از منظر آموزه‌های فقهی چه آثار تربیتی دارد؟ در راستای پاسخ به این پرسش، ابتدا مفهوم بعضی از واژه‌ها بیان می‌شود، سپس ابعاد عفاف مورد بررسی قرار گرفته و در انتها نیز راهکارهایی برای ترویج اصل عفاف، پیشنهاد می‌شود.



۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. عفت

لغت‌شناسان درباره «عفت» معانی مختلفی ذکر کرده‌اند؛ ابن فارس گفته است عفت به معنی «روی گردانی از زشتی‌ها» است. (ابن فارس ۱۴۰۴، ۲/۹۳) از نظر برخی دیگر مثل فراهیدی، عفت به معنی روی گردانی از چیزهایی است که حلال نیستند. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱/۹۲) و طریحی می‌گوید: «عفت به معنی نگه داشتن نفس از چیزهای حرام است». (طریحی ۱۳۰۷، ۳/۲۰۸)

ابن منظور در معنی عفت گفته است: «روی گرداندن از چیزی که حلال و زیبا نیست یا روی گردانی از محرمات و خواسته‌های پست». (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۹/۲۰۳) ابن فارس در جای دیگری می‌گوید: مفهوم عفت بر کمی چیزی نیز دلالت می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۹۳)

راغب می‌گوید: «بسنده در گرفتن یا خوردن چیز اندکی که آن اندک خود در حکم باقی مانده چیزی است». (راغب، ۱۴۱۴: ۵۷۳)

از معانی مذکور این نکات به دست می‌آید که ماهیت عفت، خودداری و روی گرداندن است و متعلق عفت، بازداری از چیزهای زشت، حرام و خواسته‌های پست است.

عفاف و عفت از اصطلاحاتی است که در علم اخلاق از آن بحث می‌شود و علمای اخلاق در تعریف آن گفته‌اند:

عفت آن است که قوه شهویه در خوردن و نکاح (امور جنسی) از حیث کم و کیف مطیع و فرمانبردار عقل باشد و از آنچه عقل نهی می‌کند، اجتناب کند و این همان حد اعتدال است که عقل و شرع پسندیده است». (نراقی، ۱۳۹۳: ۲۹۴)



شهید مطهری عفاف را این گونه تعریف می‌کند: «عفاف و پاکدامنی یک حالت نفسانی است؛ یعنی رام بودن قوه شهوات تحت حکومت عقل و ایمان، تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن». (تعلیم و تربیت، ۱۳۵۲: ۱۵۰)

عفت در حقیقت کنترل شهوت است و شهوت در لغت یک مفهوم عام دارد که هر گونه خواهش نفس و میل و رغبت به لذات مادی را شامل می‌شود، اما «شهوت» یک مفهوم خاص دارد که همان شهوت جنسی است. بنابراین عفت نیز دو مفهوم دارد؛ یک مفهوم عام که عبارت است از خویشتن‌داری در برابر هرگونه تمایل افراطی نفسانی و مفهوم خاص آن، خودداری از تمایلات افراطی جنسی است.

۱.۲. تربیت

واژه تربیت از نظر لغوی به معنی پروراندن، پروردن، آموختن، تأدیب و سیاست، ترقی و برتری و احسان و تفقد نسبت به شاگرد و دیگر زیردستان به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵/۴)

این واژه از ریشه «ربی» و «رباً» گرفته شده است که بر برتری، رشد و علو دلالت می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۴۸۳)

بنابراین، واژه تربیت به معنی فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است. افزون بر این، تربیت به معنی تهذیب نیز به کار رفته (دهخدا، همان: ۴/۵۷۷۶) که به معنای تطهیر نفس از معایب اخلاقی است. (معلوف، ۱۳۶۰: ۸۶۰)

در اصطلاح نیز تربیت را «به کمال رساندن یا رشد دادن کارکردهای روانی به کمک تمرین تا رسیدن تدریجی به کمال خود» دانسته‌اند. بنابراین، تربیت یک فرد به معنای تقویت ملکات و پروراندن توانایی‌ها و اصلاح رفتار اوست، به گونه‌ای که بتواند در یک محیط معین به شکل مناسبی زندگی کند. (صلیبا، ۱۳۷۰: ۱۲۰)



۲. ابعاد عفاف

در تعریف عفاف گفته شد که عفاف حالتی درونی و نفسانی است که به طور کلی مصادیق و نشانه‌هایی دارد، که به صورت گذرا به برخی از این محورها اشاره می‌کنیم:

۲.۱. عفاف در نگاه

چنان که گفته شد، عفاف کنترل کننده تمایلات فطری انسان است. یکی از تمایلاتی که به طور فطری در انسان وجود دارد، گرایش به جنس مخالف است. از این رو، در اسلام در مورد کنترل نگاه به ویژه به جنس مخالف تأکید فراوانی شده است. از امام علی علیه السلام داریم که «چشم، راهبر (پیام‌رسان) دل است». (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۶۰)

خداوند در آیات حجاب قبل از اینکه دستور حجاب و پوشش بدهد، به عفت در نگاه توصیه می‌کند و به مردان و زنان مؤمن دستور می‌دهد که از نگاه حرام بپرهیزند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ». (نور: ۳۱-۳۰)

روایات فراوانی هم از معصومان علیهم السلام در مورد نهی از نگاه خیره و چشم‌چرانی و تشویق عفت خواهان رسیده است. برای نمونه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «چشمان خود را (به حرام) ببندید تا عجایب را ببینید». (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۴/۲۶۹)

حاصل بحث آنکه چون نگاه حرام عامل اصلی و اولیه بسیاری از انحرافات است، اولین دستور خداوند در زمینه عفاف در سوره نور حفظ نگاه و پرهیز از چشم‌چرانی است.

۲.۲. عفاف در پوشش

حجاب و پوشش یکی از مهم‌ترین مصادیق عفاف است. نفس انسان به او امر می‌کند که زیبایی‌های جسمی خود را نمایان کند تا دیگران بیشتر به او توجه کنند. این مسئله در مورد زنان که مظهر زیبایی و جمال هستند و از طرفی ذاتاً دوست دارند زیبایی‌هایشان را



نمایان کنند، بیشتر مطرح است. در حقیقت، عفاف در پوشش، کنترل نفس در این بُعد است؛ یعنی عفاف باعث می‌شود انسان در نمایان کردن زیبایی‌های خود، پا را از حد فراتر نهد. در اسلام، پوشش یکی از نشانه‌های برجسته عفاف است.

اقتضای عفت در پوشش آن است که انسان از پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان یا نازک و بدن‌نما که موجب جلب انظار دیگران و خودنمایی می‌شود، اجتناب کند و در کیفیت پوشش خود جانب وقار و سنگینی را برگزیند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «شما را به پوشش لباس ضخیم توصیه می‌کنم؛ چرا که هر کس لباسش نازک باشد، دینش نازک است». (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۴/۳۸۹)

این گونه افراد در حقیقت، پوشیدگان برهنه هستند؛ یعنی کسانی که پوشش آن‌ها با برهنگی چندان تفاوتی ندارد. به همین دلیل، خداوند در قرآن دستور می‌دهد که: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ». (نور: ۳۱) زنان روسری خود را چنان روی سینه‌هایشان بیندازند که گردن و سینه‌هایشان پوشیده شود. واژه شناسان در معنای «خمار» گفته‌اند: «خمار برای زن به کار می‌رود و به معنای مقنعه است و گفته می‌شود خمار چیزی است که زن سر خود را با آن می‌پوشاند». (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۲۵۵)

۳.۲. عفاف در زینت و آرایش

آیین مقدس اسلام که برنامه جامع سعادت و کامیابی بشر است، به موضوع زیبایی، زیبا دوستی، آرایش و پیرایش توجه مخصوص دارد و پیروان خود را به زیبایی و آرایش و استفاده از نعمت‌ها توصیه می‌کند تا یکی از خواهش‌های طبیعی بشر یعنی جمال دوستی وی ارضا شود. امام صادق علیه السلام نیز تأکید کرده است: «وقتی خداوند به بنده‌اش نعمتی عطا می‌کند، دوست دارد آن را ببیند، چرا که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد». (کلینی، ۱۳۶۳: ۶/۴۳۹)



در اسلام، پوشیدن لباس زیبا، مسواک زدن، شانه و روغن زدن به مو، معطر بودن، انگشتر به دست کردن و آراستن خود هنگام عبادت و معاشرت با مردم در مسجد یا محیط خانواده و اجتماع از مستحبات مؤکد است. این مطلب از آیات قرآنی نیز برداشت می‌شود: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...» (اعراف: ۳۱)

در این آیه به فرزندان آدم خطاب شده است که زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید. در آیه بعد با لحن تندی به آن‌ها که گمان می‌برند تحریم زینت‌ها و پرهیز از غذاها و روزی‌های پاک و حلال، نشانه زهد و پارسایی است، پاسخ می‌دهد:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اعراف: ۳۲)

بنابراین، اسلام از زینت و آراستگی و پیراستگی نهی نمی‌کند، اما در قرآن و اسلام، «تبرج» و آشکار کردن زینت در محافل اجتماعی و برای غیر محارم نکوهش شده است، چون باعث فساد و برانگیخته شدن شهوت و در نتیجه، گناه و آلودگی می‌شود: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَهْلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳)

در معنای تبرج آمده است: «تبرج، آشکار کردن زینت و هر چیزی است که شهوت مرد را برانگیزاند» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/۲۱۲)

بنابراین، منظور از عفاف در زینت این نیست که انسان از زینت بهره نبرد و آراستگی را کنار نهد، بلکه باید این امر به زیاده‌روی و افراط نگراید و از حد شایسته و اعتدال خود که اسلام مشخص کرده است، تجاوز نکند. اگر این گزینه از حد و مرز شرعی خود تجاوز کند، آتش شهوت را شعله‌ور می‌سازد و دام شیطان را برای انسان می‌گستراند. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید:

کمر فسادی در عالم ظاهر می‌شود و کمتر جنگ خونینی است که نسل‌ها را قطع و آبادی‌ها را ویران سازد و نتیجه اسراف و افراط در استفاده از زینت‌ها و زرق و



برق نبوده باشد، زیرا انسان طبعاً این طور است که وقتی از جاده اعتدال بیرون شد و پا از مرز خود بیرون گذاشت، مشکل می‌تواند خود را کنترل کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۸/۱۰۴)

۲.۴. عفاف در خوردن

یکی از اقسام عفاف، عفت در خوراک است؛ به این معنی که در خوردن علاوه بر اینکه باید به حلال و حرام بودن مقید بود، جانب اعتدال نیز رعایت شود. مراد از عفت در خوراک آن است که انسان از خوردنی‌ها به قدر نیازش اکتفا کند. در روایات اسلامی همواره به این امر در کنار پاکدامنی و حتی قبل از آن توصیه شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «دو چیز بیشتر از هر چیزی، امت مرا به آتش می‌افکند؛ شکم و عورت». (کلینی، ۱۳۶۳: ۲/۷۹)

در روایت دیگری از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است: «بعد از خودم، نسبت به سه چیز از امتم در هراسم؛ گمراهی پس از معرفت، تاریکی فتنه‌ها و شهوت شکم و فرج». (همان) از امام باقر ﷺ نقل شده است: «برای بندگی و عبادت خداوند هیچ راهی بهتر از عفت شکم و فرج نیست». (همان)

۲.۵. عفاف در فقر و غنا

۲.۵.۱. عفاف در حالت فقر

در قرآن می‌خوانیم: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا...»). (بقره: ۲۷۳)



در این آیه، سخن از نیازمندان آبرومند است که با وجود نیاز مالی شدیدی که دارند، به خاطر عزت نفسشان از طلب و درخواست کمک از دیگران خودداری می‌ورزند، به گونه ای که اگر کسی از حال آن‌ها باخبر نباشد، بی‌نیازشان می‌پندارد. بنابراین، عفاف در فقر آن است که انسان بر فقر خود صبر کند، خویشتن‌دار باشد و آن را پنهان دارد و نزد دیگران گدایی نکند. پس برای رسیدن به حاجت خود تلاش کند و به خداوند اعتماد و توکل داشته باشد. بیشتر از نیاز و حاجت نخواهد و قانع و شکرگزار خداوند باشد. به سبب فقر در عبادت خداوند کوتاهی و بداخلاقی نکند. نزد ثروتمندان چرب زبانی و چاپلوسی نکند، عزت و کرامت خود را حفظ کند و حق را زیر پا نگذارد. اگر چیزی بدون سؤال و تقاضا به او عطا کردند، پس از اطمینان از حلال بودن آن به قدر نیاز و حاجتش آن را بپذیرد و بیشتر از آن را نپذیرد.

البته حفظ عفاف هنگام فقر کار آسانی نیست و هر کسی از عهده آن بر نمی‌آید و به دلیل دشوار بودن آن، در قرآن، اصطلاح «تَعَفُّف» به کار رفته که به نوعی، دشواری آن را می‌رساند، چرا که «تَعَفُّف یعنی با سختی و تکلف عفت ورزیدن» است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۹/۲۵۳)

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «عفاف، زینت فقر و شکر، زینت بی‌نیازی است». (نهج البلاغه)

اگر فقر به زینت عفاف آراسته باشد، انسان را به خداوند نزدیک و بهشت را برای او تضمین می‌کند. فقر نکوهیده این است که انسان فقیر عفاف را زیر پا نهد، دست طمع پیش مردم دراز کند، عزت و کرامت خود را ارزانی حرص و طمع کند و آزمندی، او را به بداخلاقی و لغزش و گناه بکشاند. این گونه فقر از قبر بدتر است و انسان را خوار و ذلیل می‌کند و چه بسا که به کفر بینجامد و این همان فقری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن به خداوند پناه می‌برد.

۲.۵. ۲. عفاف در حالت غنا

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ...» (نساء: ۶)

در این آیه به کسانی که بی‌نیاز هستند، دستور داده شده است عفت پیشه کنند و از تصرف در مال یتیم خودداری ورزند. (طبرسی، ۱۴۲۵: ۱۷/۳)

اساساً عفت هنگام بی‌نیازی و توان مندی از صفات مؤمن شمرده است: «الْمُؤْمِنُ عَفِيفٌ فِي الْغِنَى» (غرویان و ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۲۳۴)

پس تنها فقیر نیست که باید عفاف داشته باشد، بلکه توانگر و ثروتمند نیز باید با عفاف باشد تا ثروتش در دنیا و آخرت سودمند باشد. اگر انسان ثروتمند یا بی‌نیاز، به معنای واقعی کلمه، عفت پیشه کند، یعنی در کسب، نگاه‌داری و هزینه کردن مال دچار فعل حرام و قبیح نشود، مال و ثروتش مشروع است و این ثروت می‌تواند در پرهیزگاری شخص نیز اثر مثبت داشته باشد. از این رو، خداوند در قرآن، مال و ثروت را «فتنه» نامیده است، چون مایه امتحان انسان است و می‌تواند عامل سعادت یا شقاوت وی باشد.

۲.۶. عفاف در گفتار (عفت کلام)

یکی دیگر از حوزه‌های عفاف، حوزه کلام و گفتار است. خداوند در قرآن، قالب‌های مختلفی را برای کلام بیان کرده است، مانند:

- «قول حَسَن» (بقره: ۸۳)؛ یعنی گفتار نیکو.
- «قول معروف» (بقره: ۲۳)؛ یعنی گفتار شایسته.
- «قول لَين» (طه: ۴۴)؛ یعنی کلام نرم و ملایم.
- «قول کریم» (اسراء: ۲۳)؛ یعنی سخن ارجمند.





- «قول سدید» (نساء: ۹)؛ یعنی کلام محکم و استوار.

- «قول بلیغ» (نساء: ۶۴)؛ رسا و پیراسته.

۲. ۱. ۶. چستی عفت کلام

کلام عفیف، کلامی است که هم از نظر محتوا و هم از نظر شیوه بیان، قرین عفت باشد. آوا و آهنگ صدا هنگام سخن گفتن باید به گونه‌ای باشد که ادب و عفت رعایت شود. یکی از نمادهای بی عفتی در گفتار، سخن گفتن با ناز و عشوه با نامحرمان است. خداوند خطاب به زنان پیامبر می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا». (احزاب: ۳۲) «ای زنان پیامبر، شما اگر تقوا داشته باشید، مانند احدی از زنان دیگر نیستید. پس در سخن دل‌ربایی نکنید که شخص بیمار دل به طمع می‌افتد و سخن نیکو بگوید».

در این آیه، فلسفه نهی از طنازانه سخن گفتن، طمع‌ورزی نامحرمان ذکر شده است. بنابراین، سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را پسندد، سخنی نیست که با لحن نیکو و کرشمه همراه باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰۹/۱۶)

بنابراین، از دیدگاه قرآن، هر گونه کلامی که با ناز و غمزه و تغییر صدا همراه باشد و زمینه گناه را فراهم کند، ممنوع و از حوزه تقوا (که عفت بخشی از آن محسوب می‌شود) خارج است.

توصیه دیگر اسلام در سخن گفتن این است که صدای خود را هنگام صحبت کردن بالا نبریم. یکی از توصیه‌های لقمان حکیم به پسرش این است که صدای خود را کوتاه کند. علاوه بر آهنگ کلام، محتوا و درون مایه سخن نیز باید قرین عفت باشد. خداوند به انسان‌ها توصیه می‌کند که در سخن گفتن با نامحرم به خوبی و شایستگی سخن بگویند: «قُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا». (احزاب: ۳۲)

سید قطب در تفسیر «قول معروف» می‌گوید: «قول معروف یعنی اینکه سخن آن‌ها در امور معروف و نیک باشد نه منکر و زشت مانند شوخی کردن و...». (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲۸۵۹/۵)

باید دانست که این دستور تنها برای زنان نیست، بلکه به مردان نیز دستور داده شده است خواستگاری به صورت شایسته ای سخن بگویند: «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنُتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنْكُمْ سَتَذَكَّرُونَ هُنَّ وَلَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا». (بقره: ۲۳۵)

بنابراین، محتوای کلام نباید تحریک آمیز باشد. کلامی که شهوت را برانگیزد، دور از عفت است و در اسلام منع شده است. از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است «هر کس زبان خود را حفظ کند، خداوند، عورتش را حفظ می‌کند». (ورام، ۱۳۸۵: ۱/۱۱۰)

یک نوع از بی‌عفتی گفتار، سخن رکیک و زشت است که در منابع اسلامی و روایات بسیار نکوهش شده است. پیامبر اکرم در این باره می‌فرماید: «خداوند، بهشت را بر انسان بدزبان فحاشی که برایش مهم نیست چه می‌گوید و چه می‌شنود، حرام کرد». (مجلسی، ۱۴۰۵: ۴۶/۷۴)

۲.۷. عفاف در اندیشه (فکر)

اعمال انسان نتیجه اندیشه اوست. انسان ابتدا به یک موضوع فکر می‌کند. سپس عمل می‌کند. بنابراین، انسان‌ها آن گونه که می‌اندیشند، زندگی می‌کنند و رفتار آن‌ها انعکاس افکار و اندیشه‌هایی است که در سر می‌پروراند.

عفاف در اندیشه و فکر به معنی کنترل و مدیریت افکار به ویژه خیالات است تا وارد عرصه‌های آلوده و خلاف عفت نشود.

تخیل شهوانی و تحریک‌کننده، عمل مشهود خلاف عفت نیست، اما نوعی زیاده‌خواهی است که تأثیر روانی عمیقی دارد. فکر کردن به گناه تا زمانی که عملی نشود، گناه



محسوب نمی‌شود، اما افکار ناپاک که نتیجه افسارگسیختگی اندیشه و کنترل نداشتن انسان بر شیوه فکر کردن خود است، رفته‌رفته آینه دل را سیاه می‌کند و زمینه فساد را فراهم می‌سازد. اگر انسان همیشه به مسائل خلاف عفت فکر کند، حتی اگر به افکارش جامه عمل نیز نپوشاند، در درازمدت به این گونه افکار عادت می‌کند، عفت و حیای درونی خود را از دست می‌دهد و گناه را سبک می‌شمرد و در نتیجه به سوی آن کشیده می‌شود. حر عاملی در این باره می‌نویسد:

امام صادق علیه السلام از حضرت عیسی مسیح علیه السلام روایت کرده است که به حواریون فرمود: حضرت موسی علیه السلام به شما امر کرد زنا نکنید، ولی من به شما امر می‌کنم فکر زنا را هم در خاطر نیاورید، تا چه رسد به عمل زنا، زیرا آن کسی که به زنا فکر کند، مانند کسی است که در عمارت زیبا آتش روشن کند. بدیهی است دودهای تیره آتش، زیبایی عمارت را خراب می‌کند، اگرچه عمارت آتش نگیرد. (حرعاملی، ۱۴۱۴)

ایشان در کلام دیگری فرمود: «کسی که زیاد درباره لذات مادی و شهوی فکر کند، روزی مغلوب چنین فکری خواهد شد». (همان)

پیشگیری بهتر از درمان است، لذا عاقل برای پیشگیری از گناه باید از فکر کردن به آن بپرهیزد؛ چه بسا فکر گناه مقدمه انجام آن شود.

۳. اهمیت رعایت عفاف در جامعه

عفت و عفاف از جمله صفات و ارزش‌های اخلاقی است که خداوند آن را در وجود انسان نهاده و متون دینی همواره به آن توجه و تأکید کرده‌اند. علاوه بر این سلامت، سعادت، کمال یا انحطاط یک فرد یا جامعه در گرو آن است، لذا راه دستیابی عفت در نتیجه چگونگی حفظ آن از جمله مواردی محسوب می‌شود که در بحث عفت مورد اهمیت است و بی‌تردید عفت

در آموزه‌های دینی افزون بر تأکید بر عفت به عنوان یک ارزش اخلاقی راه کارهای برای گسترش نهادینه شدن آن در فرد و جامعه ارائه شده است که به بعضی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

جامعه‌ای که عفت و عفاف را نصب العین خود قرار دهد، بی‌تردید به ارزش‌های الهی رسیده و از مشکلات بی‌عفتی ایمن خواهد ماند.

امروز بیش از پیش به فرهنگ عفاف و ترویج آن نیاز داریم. جوامع غربی که ارزش‌های انسانی دور شده‌اند برای حفظ منافع خود، کشورهای دیگر را آماج اهداف شوم استعماری خویش قرار می‌دهند. آنان حیات خود را بی‌بندوباری، فحشا، فساد بی‌عفتی، مواد مخدر، فلیم‌های مستهجن و... می‌دانند و برای رسیدن به مقاصد شوم خویش دست به هر جنایتی می‌زنند، غافل از اینکه دنیای بدون حیا و عفاف و آکنده از فساد، از دنیای حیوانات هم پست‌تر و فرومایه‌تر است، چنان که امام راحل علیه السلام فرمودند:

اکنون انسان بیدار اگر قدری فکر کند به خوبی می‌یابد جنایت خود را در هتک پرده عفت قوه ای را که خداوند برای حفظ نظام عایله و ابقای شرافت و سعادت دنیا و آخرت مرحمت فرموده، همان قوه ای را انسان به ضد مقصد و مقصود به کار برد. (امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۸۰)

سرانجام اینکه حضرت علی علیه السلام هم می‌فرماید: «عفت و پاکدامنی اساس هر خیر و خوبی است».

با این همه وضاحت و استدلال برای ما روشن شد چقدر پیاده کردن فرهنگ عفاف در جامعه به ویژه در جوامع اسلامی ما حائز اهمیت و ضروری است.



۴. آثار و برکات عفاف

یادآوری آثار و برکات دنیوی و اخروی عفاف از بهترین شیوه‌های ترویج فرهنگ و عفاف در جامعه است. خداوند متعال در قرآن فرمود: «وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ». (ذاریات: ۵۵)

و پیوسته یادآوری کن که یادآوری به مؤمنان سود می‌بخشد. پیروی از این شیوه قرآنی، در ادامه برخی از آثار عفاف که برگرفته از آیات و روایات است، بیان می‌شود.

۴. ۱. مطمئن‌ترین نردبان ترقی

یکی از آثار عفاف برای انسان‌های عفت‌پیشه، عبور از گردنه‌های سخت و نفس‌گیر مدارج ترقی است که پرزحمت و زمان بر و یا غیرممکن می‌باشد. نمونه‌های آن در قرآن و تاریخ فراوان است. ماجرای حضرت یوسف علیه السلام در قرآن بارزترین شاهد است. خداوند متعال بعد از نقل گرفتاری‌های آن حضرت برای مقابله با دام زلیخا و زنان مصر و پیروزی آن پیامبر در آن امتحان سخت، به نتیجه شیرین پاکدامنی و عفت ورزی وی می‌پردازد و در ادامه ماجرای رسیدن آن بزرگوار به عالی‌ترین موقعیت اجتماعی را بیان می‌کند و می‌فرماید:

«وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ». (یوسف: ۵۶)

و این گونه ما به یوسف در سرزمین مصر قدرت دادیم که هر جا می‌خواست منزل می‌گزید و تصرف می‌کرد. ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم و شایسته بدانیم می‌بخشیم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم.

۲.۴. برترین ویژگی خداجویان

قرآن در عبارت‌های کوتاه و بسیار پرمعنا، ضمن بیان بخش مهمی از صفات مؤمنان، پاکدامنی و عفت را از خصلت‌های برجسته آنان می‌شمارد: «وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمُ غَيْرُ مُلْتَمِسِينَ» (مؤمنون: ۶-۵) و آن‌ها که دامان خود را از آلوده شدن به بی‌عفتی حفظ می‌کنند، تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند.

قرآن در بیان صفات برجسته مؤمنان، عفت را بعد از نماز و زکات و پرهیز از لغو مطرح کرده و آن را بر امانت و پابندی به عهد و پیمان مقدم داشته است. امام صادق علیه السلام هم، در توصیف شیعیان واقعی فرمود:

إِنَّمَا شِيعَةُ جَعْفَرٍ مَنْ عَفَّ بَطْنُهُ وَ فَرَجُهُ وَ اسْتَدَّ جِهَادُهُ وَ عَمِلَ لِخَالِقِهِ وَ رَجَا ثَوَابَهُ وَ خَافَ عِقَابَهُ فَإِذَا رَأَيْتَ أَوْلِيكَ فَأَوْلِيكَ شِيعَةُ جَعْفَرٍ. (صدوق، الخصال ج ۱ ص ۲۹۶)

پیروان حقیقی جعفر بن محمد علیه السلام کسانی هستند که در برابر شکم‌پرستی و بی‌بندوباری جنسی، عفت پیشه می‌کنند و در راه بندگی خدا تلاش فراوان می‌کنند، به ثواب او امیدوارند و از عقاب او بیمناک‌اند و پیوسته، در راه حق حرکت می‌کنند. هرگاه کسانی را با این صفات ببینی، آنان پیروان و شیعیان جعفر بن محمد علیه السلام هستند.

۳.۴. پاداش عظیم آخرت

خداوند در سوره احزاب، ده گروه از مردان و زنان را شایسته ی مغفرت و اجر عظیم دانسته است. از جمله مردان و زنانی که دامان خود را از آلودگی به بی‌عفتی، نگه داشته و پاکدامن و





عَفِيفَانِد: «وَ الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحَافِظَاتِ وَ الذَّاكِرِينَ اللّٰهَ كَثِيْرًا وَ الذَّاكِرَاتِ اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَّ اَجْرًا عَظِيْمًا». (احزاب: ۳۵)

مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است. قرآن در بیان اوصاف دهمین گروه، اشاره می‌کند که آن‌ها بسیار یاد خدا می‌کنند و بعید نیست که بیان این مطلب، دلیل رابطه نزدیکی میان عفت و یاد خدا بودن باشد، که نتیجه همه این‌ها، آموزش الهی و اجر عظیمی است که عظمتش را تنها خودش می‌داند. قرآن در ماجرای یوسف علیه السلام، بعد از اثبات صداقت او در عرصه عفاف و پاکدامنی و رسیدن به عالی‌ترین مقام اجتماعی در دنیا، با اشاره به پاداش اخروی او می‌فرماید: و این‌گونه ما یوسف علیه السلام را در سرزمین مصر به سلطنت رساندیم... اما پاداش آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پروا پیشه باشند بهتر است.

۴.۴. یاری خداوند و استجاب دعا

از دیگر برکات و رهاوردهای خصلت زیبای عفاف، دریافت یاری ویژه، از سوی پرورگار متعال می‌باشد که این کمک مخصوص عفت‌پیشگان است. همچنان که طبق فرموده کلام وحی این امتیاز ویژه، شامل حال حضرت یوسف علیه السلام طلایه‌دار عفاف و پاکدامنی شد.

خداوند در باره حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید: «وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا اَنْ رَّءَا بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوْءَ وَ الْفَحْشَآءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيْنَ». (یوسف: ۲۴)

آن زن قصد او کرد و او نیز اگر برهان پروردگار را نمی‌دید قصد وی می‌کرد. این چنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم، چون او از بندگان مخلص ما بود!

همچنین خداوند متعال به استجاب دعای او هم اشاره می‌کند و می‌فرماید: «فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهٗ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ». (یوسف: ۳۴)

پروردگارش دعای او را اجابت کرد و مکر زنان را از او بگردانید؛ چون او شنوا و داناست.

۵. عفاف، بالاتر از جهاد

رسول خدا ﷺ جنگ با شیطان و نفس اماره را «جهاد اکبر» نامید. امام علی علیه السلام می فرماید: اصحاب و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله از جهاد برمی گشتند، که پیامبر به آن ها فرمود: «مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ». (امالی الصدوق، ص ۴۶۶)

مرحبا به مردمی که از مبارزه کوچک برگشته اند و جهاد بزرگ هنوز به عهده آن ها باقی است.

گفتند: یا رسول الله، جهاد بزرگ چیست؟ فرمود: جهاد با نفس و مبارزه با طغیان و خواهشهای دل.

۶. مصونیت ناموس

مصونیت ناموس، از دیگر برکات عفت ورزی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره نگاههای هوس آلود، به نتیجه و عکس العمل تکوینی آن نیز اشاره کرده و فرموده است: «عَفْوًا عَنِ نَسَاءِ النَّاسِ تَعَفُّ نُسَاءَ كُمْ». (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۵۴)

در مورد زنان مردم عفت پیشه کنید تا دیگران نیز در مورد زنان شما عفت پیشه کنند.

۷. عفاف، عامل رشد و سلامت اخلاقی

عفاف پیشگی، عامل رشد اخلاقی و به دست آوردن توفیق در راه سیر و سلوک معنوی است. در روایت آمده است حضرت علی علیه السلام فرمود: «شخص عقیف، نزدیک است که فرشته ای از فرشتگان گردد». (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴)





پاس داشتن ارزش‌های اخلاقی، نتیجه پارسایی و عفت‌پیشگی است. آن‌گاه که بنیادهای عفاف فروریخت، ارزش‌های اخلاقی دیگر نیز فرو می‌پاشد و نگاه‌های آلوده، گام‌به‌گام، ارزش‌های اخلاقی را به کام خود می‌کشند.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَنْ عَفَّتْ أَطْرَافُهُ حَسَنَتْ أَوْصَافُهُ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۲۵۶)

کسی که نگاه‌هایش عقیف باشد اوصاف و اخلاقش نیکو می‌گردد.

کسی که به فرهنگ عفاف بی‌اعتنا باشد، هرگز نمی‌تواند از اخلاق و پاکی و فضائل معنوی دم بزند، چون مکمل همه نیکی‌ها و مکارم اخلاقی، خصلت والای عفاف است: «لَا تَكْمُلُ الْمَكَارِمُ إِلَّا بِالْعَفَافِ وَ الْإِيثار»؛ ارزش‌های اخلاقی بدون عفاف و ایثار به کمال نخواهد رسید.

۴.۸. فاصله گرفتن از دوران جاهلیت

قرآن کریم بی‌عفتی را از ویژگی‌های دوران جاهلیت می‌داند و می‌فرماید: «وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى». (احزاب: ۳۳)

و همچون زنان در جاهلیت نخستین، خودنمایی نکنید و زیبایی‌ها و زیورهای خود را به نمایش نگذارید.

عصر حاضر از برخی جهات مشابه دوران جاهلیت است.

در جاهلیت قدیم، فساد و زنا جرم بود، اما امروز در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان، همجنس‌بازی قانونی است. چارلی چاپلین، هنرپیشه معروف، در مورد بی‌عفتی در زمان معاصر به دخترش می‌نویسد:

برهنگی، بیماری عصر ماست. من پیرمردم و شاید حرف‌های خنده‌آور بزنم، اما به گمان من، تن عریان تو باید از آن کسی باشد که روح عریانش را دوست می‌داری. ابداً بد نیست



اگر اندیشه تو در این باره، مال ده سال پیش یعنی مال دوران پوشیدگی باشد. نترس! این ده سال تو را پیر نخواهد کرد. به هر حال، امیدوارم تو آخرین کسی باشی که تبعه جزیره لختی‌ها می‌شود. (مطهری، ۱۳۶۳: مقدمه کتاب)

۹.۴. آرامش روحی و بهداشت روانی

نبودن حریم میان زن و مرد و بی‌بندوباری در معاشرت، هیجان و التهاب‌های جنسی افراد را فزونی بخشیده، به صورت یک عطش روحی در خواهد آورد. پایبندی به دستورات سعادت بخش اسلام در روابط زن و مرد، باعث آرامش روحی و روانی آنان می‌گردد. در یک بررسی اجمالی می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از عوامل آشفتگی‌های روحی افراد، نگاه‌های آلوده و ارتباط‌های نامشروع آنان است. این نگاه‌های هوس آلود، از یک سو گزینه جنسی انسان را تحریک می‌کند و با این تحریک پی‌درپی، روان انسان طوفان زده شده، عقل آدمی مانند شمع در مسیر باد قرار می‌گیرد؛ مشخص است که چنین فردی دیگر آرامش روحی ندارد و آشفتگی روانی، آسایش او را می‌بلعد. از سوی دیگر تحریک‌ها و ارتباط‌های نامشروع، او را قدم‌به‌قدم به سمت گناهان خانمان سوز می‌کشاند و در کنار آن، ترس از رسوایی، هراس از قوانین کیفری و عذاب وجدان، جان چنین انسان گناه پیشه‌ای را مانند خوره می‌خورد. آشفتگی‌ها، استرس، اضطراب‌ها و وحشت‌های او روزبه‌روز افزایش می‌یابد و کار به جایی می‌رسد که آرامش روحی و روانی خود را از دست می‌دهد. تنها راه پیشگیری از دچار شدن به این عوارض زیانبار، عفت پیشگی و رعایت دستورات و برنامه‌های دین، در روابط زن و مرد است.

در منابع دینی نیز به نقش عفت، در تأمین روحی انسان‌ها و بهداشت روانی آنان اشاره شده است، چنان که در قرآن آمده است: «اذا سنلتموهنّ متاعاً فسئلوهنّ من وراء الحجاب ذلکم أظهر لقلوبکم...؛ هنگامی که چیزی از وسائل زندگی را از آنان (همسران پیامبر) می‌خواهید، از پشت پرده بخواهید، این کار برای پاک‌ی دل‌های شما و آن‌ها بهتر است...» (احزاب: ۵۳)



بر اساس این آیه شریفه، رعایت عفت در نگاه، آرامش روحی و بهداشت روانی افراد را تأمین می‌کند.

این نگاه‌ها، عشق‌های هوس آلودی را پدید می‌آورد. آن گاه که سفره این عشق‌ها گسترده شد، غصّه‌ها، حسدها، خودکشی‌ها و... آغاز می‌گردد.

در بیان دیگر فرمود: «من أطلق طرفه کثر اسفه؛ هرکه چشم خود را رها کند، افسوس و اندوهش زیاد خواهد شد». (محمدری شهری، میزان الحکمه، ۱۲/۲۳۴)

همچنین امام علی علیه السلام فرمود: «اصل العفاف القناعه و ثمرتها قلّه الاحزان؛ ریشه عفاف قناعت و میوه آن کاهش اندوه است». (همان: ۴/۴۵۳)

بر اساس این بیان نورانی، میوه و بازدهی عفت، کاهش اندوه‌هاست. انسان عقیف به دلیل کنترل خواسته‌ها و تمایلات خود، به آنچه از نعمت‌های حلال خداوند در اختیار دارد قناعت نموده، به دنبال زیاده‌خواهی و رسیدن به قدرت و ثروت زیاد نیست و به دلیل نرسیدن به آرزوها و خواسته‌های دنیاطلبانه خود، دچار غصّه و اندوه نمی‌گردد و در نتیجه، اندوه‌های او کاهش می‌یابد.

عفاف، سلامت جامعه را نیز به دنبال دارد، زیرا جامعه را افراد آن تشکیل می‌دهند و اگر افراد اصلاح شوند، جامعه نیز اصلاح خواهد شد. عفاف موجب مصونیت زن و مرد از آشفته‌گی‌های ذهنی، بزهکاری، آوارگی و بالاخره بیماری روحی و روانی می‌شود و از انحطاط اخلاقی جامعه و از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها جلوگیری می‌کند.

۴. ۱۰. جلوگیری از هدر رفتن استعدادها

یکی از پیامدهای مثبت عفت پیشگی آن است که از هدر رفتن استعداد و توانایی‌های انسان جلوگیری نموده، زمینه‌ساز رشد و شکوفایی استعدادهای انسان می‌گردد. با رعایت عفاف، توانایی‌ها، آراستگی‌ها و زیبایی‌های ظاهری افراد جهت صحیح می‌یابد و از انحراف فکر و ذهن بشر که همیشه در معرض وسوسه‌های شیطان قرار دارد کاسته می‌شود. در سایه

عفت، فکر و ذهن افراد، متوجه ارزش‌های واقعی و اصیل انسانی شده، گرایش کمال‌جویی او در مسیر درستی هدایت می‌گردد.

انسان عقیف با مهار و تعدیل خواسته‌های نفس خود، از آرامش روحی و بهداشت روانی برخوردار می‌گردد. در سایه این آرامش فرصت می‌یابد تا به ارزش‌های اصیل انسانی و الهی بیندیشد و تمام استعدادها و توانایی‌های خود را در مسیر کسب ادب، اخلاق، علم و کمال به کار گیرد، درحالی‌که اگر انسان دچار بی‌عفتی شود، سرگرم لذت‌های حرام و زودگذر دنیا می‌شود و فرصت اندیشیدن به ارزش‌های متعالی را پیدا نمی‌کند. از این جهت استعدادهای درونی او به هدر رفته، یا در مسیر نادرستی به کار گرفته می‌شود.

۴. ۱۱. تعدیل و کاهش خواسته‌ها

یکی دیگر از آثار و پیامدهای مثبت عفت کنترل و تعدیل خواسته‌ها و تمایلات نفس انسان به ویژه غریزه جنسی اوست. این پیامد طبیعی‌ترین اثری است که بر عفت مترتب می‌گردد، چرا که از نظر لغوی و اصطلاحی نیز عفت به همین معنا آمده است. قریشی در «قاموس» آورده است: «عفت در لغت به معنای مناعت طبع و حالت نفسانی است که از غلبه شهوت و خواسته‌های نفس باز می‌دارد». (قرشی، ۱۳۹۷: ۱۸۷)

در معنای اصطلاحی آن نیز به همین امر اشاره شده که عفت عبارت است از حالتی نفسانی که به وسیله آن، خواهش‌ها و تمایلات انسان به کنترل او درمی‌آید و تعدیل می‌شود. حالت اعتدالی که مفهوم عفت است و در عقل و شرع هر دو پسندیده است. (نراقی، ۱۳۹۳: ۱۵/۲)

با توجه به همین معانی می‌توان گفت کنترل و مهار خواسته‌ها و تمایلات نفس، طبیعی‌ترین پیامد مثبت عفت است. راز این مطلب در این نکته نهفته است که در صورت برخورداری مردان و زنان از عفت، عواملی که تحریک‌کننده غریزه جنسی است از محیط





زندگی‌شان برچیده می‌شود و یک حالت طبیعی در زندگی آن‌ها حاکم می‌گردد. به این طریق از هیجان و تحریک‌گریزه‌ی جنسی افراد به طور غیرطبیعی جلوگیری می‌شود. نقطه مقابل عفت که حد اعتدالی در پاسخ‌گویی به تمایلات نفس است، «شره» است که به معنای پیروی کردن از نیروی «شهوّه» و همه خواسته‌های آن است. این صفت ازدیدگاه اسلام مذموم و ناپسند است.

از آنچه بیان شد استفاده می‌شود که یکی از آثار عفت، کاهش و تعدیل خواسته‌های نفس به ویژه‌ی گریزه‌ی جنسی است. این پیامد هم از معنای لغوی و اصطلاحی عفت استفاده می‌شود و هم روایات اسلامی بر آن دلالت دارد.

۱۲.۴. کاهش هزینه‌های زندگی

انسان عقیف، خواسته‌ها و تمایلات خود را مهار و تعدیل می‌کند، از این‌رو تسلیم زیاد خواهی‌های نفس خویش نمی‌شود. فردی که از عفت برخوردار است به آنچه که از راه حلال به دست آورده بسنده می‌کند و به سراغ حرام نمی‌رود. کنترل خواسته‌ها و تمایلات نفس و اکتفا نمودن به آنچه از حلال در اختیار دارد، از مصادیق بزرگ عفت است. چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «أَلَا وَانَّ الْقِنَاعَةَ وَغَلْبَةَ الشَّهْوَةِ مِنْ أَكْبَرِ الْعَفَافِ؛ آگاه باش به درستی که قناعت داشتن و غلبه بر خواسته‌های نفس از مصادیق بزرگ عفت است». (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۷۳۵)

انسان‌های عقیف نه تنها از حرام پرهیز می‌کنند که از زیاده‌روی در استفاده از نعمت حلال خدا نیز خودداری می‌کنند. زیرا آنان، زیاده‌روی در مصرف نعمت حلال را نیز منافی با عفت می‌دانند، چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «قَلَّةُ الْأَكْلِ مِنَ الْعَفَافِ وَ كَثْرَتُهُ مِنَ الْأَسْرَافِ؛ کم خوردن از مصادیق عفاف و زیاد خوردن اسراف به حساب می‌آید». (همان)

بسند نمودن انسان به آنچه در اختیار دارد نمونه زیبایی از عفت‌ورزی است و باعث تقویت عفت در وجود فرد می‌گردد. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «الرِّضَا بِالْكَفَافِ يُؤَدِّي إِلَى



العفاف؛ بسنده کردن به هزینه ای که کفاف زندگی را می‌کند باعث تقویت و افزایش عفت می‌گردد». (همان)

در نقطه مقابل، بسنده نکردن اینان به آنچه در اختیار دارد و هوس نمودن چیزهایی است که در دسترس او نیست؛ این امر مذموم است، همان طور که امام علی علیه السلام فرمود: «لم يتحلَّ بالعِفَّة من اشتهى ما لايجد؛ هرکس آنچه را نمی‌یابد بخواند، به زیور عفت آراسته نیست». (همان: ۴۵۴)

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت که یکی از پیامدهای عفت، کاهش هزینه‌های زندگی است.

۴.۱۳. پایداری جمال و زیبایی

جمال، زیبایی، نشاط و شادابی انسان در سایه عفت، پایدار و مستمر خواهد بود، درحالی‌که بی‌بندوباری و بی‌قید بودن در امور جنسی، پیری زودرس و ناتوانی زود هنگام جنسی را پدید می‌آورد. عفت پیشگی جمال و جوانی را پای دارتر می‌سازد و امیرمؤمنان علی علیه السلام هم در این رابطه می‌فرماید: «صيانة المرأة أنعم لحالها وأدوم لجمالها؛ مصونیت زن، حال او را سرشارتر و جمال او را پایدارتر می‌سازد». (همان: ۲۰)

کسی که از عفت برخوردار است هواهای نفس و تمایلات خود را کنترل کرده، از آلوده شدن به گناهان خودداری می‌کند، در نتیجه از مبتلا شدن به بسیاری از بیماری‌ها مصون می‌ماند و این امر در دوام شادابی و زیبایی او تأثیرگذار خواهد بود. درحالی‌که افراد آلوده به گناه ممکن است به بیماری‌های گوناگون مبتلا شود و در اثر آن شادابی و زیبایی او دچار آسیب گردد.

توصیه امام علی علیه السلام به فرزندشان امام مجتبی علیه السلام نیز می‌تواند اشاره به همین امر داشته باشد: «فانَّ شدَّة الحجاب أبقى عليهنَّ؛ سختگیری در پوشش، عامل سلامت، استواری و دوام [زنان] آنان است». (نهج البلاغه، نامه ۳۱)



امیرمؤمنان علیه السلام در این بیان نورانی، فرزندش را به توجه داشتن به پوشش و حجاب زنان توصیه می‌کند و آن را عامل بقا و استمرار حالت‌های زنان می‌خواند که زیبایی و جمال آنان نیز از همین حالات به حساب می‌آید. در بیان دیگری از امیرمؤمنان علیه السلام آمده است: «زکاه الجمال العفاف؛ عفت سبب افزایش و رشد زیبایی می‌شود».

از روایات اهل بیت علیهم السلام استنباط می‌گردد که عفت و حجاب، باعث افزایش زیبایی و جمال انسان گردیده، زمینه‌ساز دوام و پایداری آن می‌گردد. انسان عقیف به دلیل اینکه خواسته و تمایلات خود را کنترل و تعدیل کرده و آن‌ها را از راه‌های سالم و مشروع و در حد معقول ارضا نموده است، از بسیاری از آفات و بیماری‌ها مصون می‌ماند، در نتیجه شادابی، زیبایی و جوانی او دوام پیدا می‌کند.

۱۴.۴. شخصیت و احترام

در سایه عفت، انسان در میان مردم شخصیت و احترام پیدا می‌کند. از آنجا که انسان‌ها بر اساس فطرت‌شان خوبی‌ها را دوست دارند، افرادی را که دارای صفات نیک باشند نیز دوست خواهند داشت. با توجه به این امر افراد عقیف نیز در نزد مردم محبوب و دوست داشتنی هستند. آنان در نزد افراد جامعه، خانواده، دوستان و سایر اقشار مردم مورد احترام قرار می‌گیرند. به گونه‌ای که افراد فاسد، نیز امانت‌ها و اسرار خود را به انسان‌های عقیف و امین می‌سپارند و در عمق دل خود، آن‌ها را بزرگ و پاک می‌پندارند. در مقابل، کسانی که از عفت برخوردار نیستند هرچه دل‌شان می‌خواهد می‌خورند و آنچه می‌خواهند می‌گویند و پیوسته در پی هوسرانی هستند، پس نزد دیگران اعتبار و ارزشی ندارند. این پیامد عفت، در روایات اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در جایی امام علی علیه السلام می‌فرماید: «من أتحف العفة و القناعة حاله العز؛ به هرکس تحفه عفت و قناعت داده شود، عزت و سرافرازی، هم پیمان او خواهد شد». (محمدری شهری، ۱۳۹۵: ۴۵۴/۷)



بنابراین همان طور که بی‌عفتی بی‌آبرویی، رسوایی و بدنامی در پی دارد، عفت پیشگی نام افراد عفیف را بلندآوازه و ماندگار می‌سازد و به آن‌ها شخصیت و احترام می‌بخشد.

۱۵.۴. استحکام بنیاد خانواده

خانواده اولین و بنیادی‌ترین شکل اجتماعی یک جامعه به شمار می‌آید. استحکام خانواده که مرکز عشق و امید و بستر شکفتن آرزوهای جوانان می‌باشد، توانایی‌های فردی را افزایش و جامعه را استوار و پویا خواهد ساخت. بی‌شک نهاد خانواده، تنها با پاسداری از عفاف و پاکدامنی، درخشش و بالندگی لازم را پیدا می‌کند، زیرا اگر در جامعه‌ای عفاف و پاکدامنی به صورت کامل رعایت گردد و تمتعات جنسی به محیط خانواده محدود شود جوانان به ازدواج روی آورده و خانواده‌های تشکیل شده نیز ثبات بیشتری می‌یابند، ولی اگر بی‌بند و باری و بی‌عفتی در جامعه رواج یابد و بهره‌برداری‌های جنسی در خارج از محیط خانواده میسر گردد، جوانان زیر بار مسئولیت‌های ازدواج نرفته و خانواده‌های تشکیل شده نیز متزلزل می‌شود. بنابراین، با اطمینان خاطر باید گفت: رعایت عفاف در رفتار و گفتار، خانواده را سالم و آسیب‌ناپذیر نگه می‌دارد.

۱۶.۴. پاکی نسل انسانی

حفظ عفاف باعث می‌شود رحم‌ها پاک و نسل‌ها شناخته شده باشند. کودک باید احساس کند دارای سرپرست، پشتیبان، عزت و شخصیت است، نه موجودی وانهاد و بی‌صاحب که از عشقی آلوده و لحظه‌ای پدید آمده است. در فرهنگ اسلام مسئله پاکی رحم و نقش آن در سلامت فرد، خانواده و جامعه بسیار مهم قلمداد شده، به گونه‌ای که «اصلاب پاک و ارحام مطهر» عاملی برای مسیر هدایت انسان و اجتماع معرفی گردیده و ارزشمندترین انسان‌ها کسانی بوده‌اند که در دامن‌های عفیف رشد کرده‌اند. نسل از راه نامشروع مفسد فراوانی را در



بر دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عدم پذیرش مسئولیت در مقابل تربیت فرزند است و بر فرض پذیرش، احساس طبیعی تعلق آن فرزند به خود را ندارد.

حبّ نفس در انسان سبب می‌شود او به متعلقات و مسائل مربوط به ذات خود علاقه بیشتری نشان دهد و چنانچه مشخص باشد که مثلاً این کودک، فرزند اوست، به صورت کاملاً طبیعی احساس علاقه و عاطفه او به سوی آن فرزند برانگیخته می‌شود و پدر را در جهت حفظ و تربیت او مصمم می‌گرداند، اما چنانچه تولید از طریق نامشروع باشد، با عدم پذیرش احساس مسئولیت، عشق و علاقه در قبال فرزند مواجه خواهیم بود و این امر باعث نابهنجاری‌ها و مفسدات اجتماعی بسیار خواهد شد.

۱۶.۴. کاهش طلاق و جرم و جنایت

از ثمرات عفاف است که اگر مردم به این اصل اخلاقی عمل کنند خیلی از جرم و جنایت‌ها را ریشه‌کن می‌سازد، بنیاد خانواده را مستحکم می‌کند و در نتیجه آمار طلاق هم کاهش می‌یابد.

به راستی عشق و محبت در بین زن و مرد در چه شرایطی بهتر شکوفا می‌گردد؟ آیا آنجا که یک سلسله مقررات اخلاقی به نام عفت و تقوا بر روح مرد و زن حکومت می‌کند و زن به عنوان چیزی گران‌بها دور از دسترس مرد است این استعداد بهتر به فعلیت می‌رسد یا آنجا که احساس منعی به نام عفت و تقوا در روح آن‌ها حکومت نمی‌کند و زن در نهایت ابتذال در اختیار مرد است؟

اتفاقاً مسئله غیرقابل انکار این است که محیط‌های به اصطلاح آزاد مانع پیدایی عشق‌های سوزان و عمیق است. در این گونه محیط‌ها که زن به حال ابتذال درآمده، فقط زمینه برای پدید آمدن هوس‌های آنی و موقت و هرجایی و هرزه شدن قلب‌ها فراهم است. چنین محیطی محیط شهوت و هوس است نه محیط عشق و محبت.

وقتی خلأ معنویت در زندگی انسان حاکم شد و زندگی بر پایه شهوات شکل گرفت، ارزش‌ها یکی پس از دیگری مسخ شده، زمینه برای بروز انواع جنایت‌ها پدید خواهد آمد. در طول تاریخ بسیاری از تجاوزها، خیانت‌ها، آدم‌کشی‌ها و... در سایه فرهنگ ابتذال و به دور از عفت صورت گرفته که نیازی به ارائه آمار و ارقام نیست. چشم‌انداز بی‌حیایی و بی‌عفتی تمام بنیان‌ها را ویران کرده و در مقابل پاکی و درستی، انسان را از فرش به عرش خواهد رساند.

به هر صورت چه زن و چه مرد می‌بایست برای رسیدن به اهداف والای انسانی و تداوم زندگی مشترک خود یا به عبارتی خانواده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند تلاش کنند. بکوشند عفاف پیشه سازند؛ قطع و یقین بدانند که انحراف از این راه یعنی سقوط خود، فرزندان، خانواده و جامعه خویش؛ مسلماً لذت و نتیجه حاصل از گناه و بی‌عفتی در برابر این همه سقوط هیچ ارزشی نخواهد داشت.

۵. توصیه و راهکارها

انسان از سر فطرت و عقل و تدبیر همواره اهل عفاف بوده مگر آنکه فطرت و عقل و تدبیر او دستخوش انحراف و اعوجاج شده باشد. ادیان آسمانی بر اساس مهندسی خلقت حضرت حق همواره بر احیاء، تقویت، تثبیت و رشد عفاف انسان‌ها تلاش نموده‌اند و فطرت‌های سالم و عقل‌های شکوفا شده به این تلاش‌ها لبیک گفته و با تقید به عفاف بستر مناسبی را برای تربیت معنوی خود و دیگران فراهم آورده‌اند؛ برای نهادینه کردن این اصل می‌توان از توصیه‌های ذیل کمک جست:

- خانواده خانواده نخستین و مهم‌ترین حلقه از زنجیره فرایند جامعه‌پذیری است که بنیانی‌ترین نقش را در جریان تربیت و شکل‌دهی به شخصیت فرزندان بر عهده دارد. والدین به عنوان نمایندگان جامعه وظیفه دارند فرزندان خود را مطابق ارزش‌های مصوبه و



بر طبق الگوهای مقبول اجتماعی تربیت کرده و جهت ایفای نقش‌های مهم در جامعه بپرورانند.

- از امر و نهی کردن نوجوان اجتناب کرد و به جای آن از باب گفتگو و احترام به سخنان او و پس از شنیدن اندیشه‌ها و سخنان او، رهنمودهایی را به او ارائه کرد. پس والدین نباید در قالب نصیحت او را از عملی برحذر دارد، بلکه در قالب مشورت و ارائه نقطه نظر خود با او به گفتگوبنشینید و با او مستدل و منطقی صحبت کنید.

- نوجوانان به شدت تحت تأثیر گروه همسال خود است. حتماً باید شخصی با معیارهای جذاب‌تر و در عین حال مؤمن و متعهد را به آن‌ها معرفی کنید و سعی کنید که بین آن دو ارتباط دوستانه ایجاد شود. در این ارتباط می‌توانید از دیگران نیز کمک بگیرید.

- کارهای تربیتی و فرهنگی دیر بازده است بنابراین در این موضوع به هیچ وجه عجله به خرج ندهید چرا که ممکن است نتیجه عکس بگیرید.

- حتماً در دعایتان از خداوند بخواهید که بر توفیقات معنوی بفرزندتان بیفزاید و در این دوران حساس نوجوانی که سرزمین انتخاب است حتماً ایشان را یاری بفرمایید.

- دومین حلقه از حلقه‌های فرایند جامعه‌پذیری، مدرسه است. مدرسه اولین محیطی است که فرد در آن روابط سازمان یافته را تجربه می‌کند و از این منظر با پیچیدگی‌های نظام اجتماعی تا حدودی آشنا می‌شود. اگر چه مدت حضور کودک در مدرسه به مراتب کمتر از مدت حضور او در خانه است، اما اثرات تربیتی این محیط پسی گسترده‌تر از محیط خانواده است؛ پس از این لحاظ مدرسه باید به نهادینه کردن اصول اخلاق بالخصوص اصل عفاف، توجه بیشتری خرج دهد.

- رادیو، تلویزیون و مطبوعات نیز امروزه نقش بسیار مهمی در تربیت اجتماعی و جامعه‌پذیری افراد ایفا می‌کنند. بعد از مدرسه یا به طور کلی محیط‌های آموزشی و شغلی افراد که به اجبار ساعاتی از وقت آن‌ها را به خود اختصاص می‌دهد، بقیه اوقات فراغت

افراد از طریق رسانه‌های جمعی خصوصاً رادیو و تلویزیون پوشش داده می‌شود. پس می‌توان برای ترویج اصل عفاف از این‌ها استفاده کرد.

- تشویق و ترغیب افراد به مطالعه و در اختیار گذاشتن منابع صحیح، علمی، زیبا و موردپسند.

- برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت‌های مختلف با موضوع فلسفه و کارکردهای عفاف.

- برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور افراد متبحر.

- تشکیل گروه‌های مطالعاتی و جلسات بحث و بررسی چند نفره .

- مسابقه کتابخوانی و مقاله‌ویسی در ریز موضوعات معرفی شده .

- استفاده از شیوه‌های هنری، نظیر شعر، نقاشی، نمایش، تئاتر و... همچنین استفاده از تابلوهایی در اماکن اجتماعی می‌تواند جایگاه خوبی برای انتقال و ترویج اصل عفاف باشد. - افزون بر راهکارها و روش‌های فوق باید به ریشه‌یابی دقیق معضل بی‌عفتی پرداخت و با شناخت صحیحی از آن اقدام به مقابله اصولی با آن پرداخت.

نتیجه:

هدف از نگارش این مقاله بیان آثار و برکات تربیتی عفاف از منظر آموزه‌های فقهی و ارائه برخی راهکارها و توصیه‌هایی است که گامی موثر در حفظ جامعه از ابتدال به فساد و حرکت به سوی سلامت و اجتماعی است. عفاف یکی از اصل دین مبین اسلام است که از روی حکمت برای زنان و مردان ترسیم شده و نشان‌دهنده وقار آدم است و به عنوان یک ارزش اخلاقی در اسلام جایگاه بسیار ارزشمندی دارد که دارای فیوضات و برکات زیادی است. عفاف یک حرکت تدافعی، تهاجمی در مقابل غرایز انسانی می‌باشد که او را به پستی می‌برند و در دنیا و آخرت او را از صراط مسطقیم منحرف می‌سازند. اسلام بر ارزش‌های اخلاقی همچون عفاف، پاکدامنی و حجاب، تأکید می‌ورزد. از سویی رعایت نکردن این اصل



اساسی اسلامی توسط زن و مرد تهدیدهای گران‌بهایی را در خود دارد، به همین خاطر لازم است یک خانواده سالم، زن و مرد باید دل‌بسته هم باشند تا بتوانند آشیان دلدپذیری برای فرزندان خود بنا کنند. در چنین محیطی، فرزندان سالم تربیت می‌شوند که می‌توانند آینده جامعه خویش را به خوبی ترسیم کرده و با پیاده کردن شاخص عفاف در اجتماع به قله تعالی برسند.

منابع:

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، مقایسه اللغه، بیروت: دارالکتب العربیه.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دارالتراث العربی.
۳. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۰۷)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۴. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۴)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیه.
۵. نراقی، محمد مهدی (۱۳۹۳)، جامع السعادات، قم: انتشارات قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام.
۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. معلوف، لونیس (۱۳۶۰)، المنجد، قم: ذوی القربی.
۸. صلیبا، جمیل (۱۳۷۰)، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: انتشارات حکمت.
۹. تیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۳)، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محسن موسوی، قم: دارالحديث.
۱۰. نوری، عبدالحسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البيت عَلَيْهِمُ السَّلَام لإحياء التراث.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه، ج ۴، قم: [بی‌نا].

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، کافی، تهران: مصطفوی.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۵)، مجمع البیان، قم: ناصر خسرو.
۱۵. قطب، سیدمحمد (۱۴۱۲)، الاسلام و مشکلات الحضاره، بیروت: دارالشروق.
۱۶. ورام، مسعود بن عیسی (۱۳۸۵)، مجموعه ورام، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۵)، بحارالانوار، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۰۲)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم: کتابستان معرفت.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، مسئله حجاب، تهران: صدرا.
۲۰. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۹۷)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۹۵)، میزان الحکمه، چ ۱۵، تهران: دارالحدیث.



